تکمیل نهادهای مالی کشور: راهبرد پشتیبانی از اقتصاد مقاومتی

روح اله ابوجعفری

چکیده:

تحقق اقتصاد مقاومتی نیازمند تاسیس نظام اقتصادی مبتنی بر موازین اسلامی سازگار با شرایط و اقتضائات ایران اسلامی است. بر این اساس ابعاد نظام اقتصادی باید شناسایی شده و هر جزء آن با توجه به اهداف طراحی گردد تا مجموعه‌ای منسجم برای تحقق اقتصاد مقاومتی داشته باشیم. یکی از اجزای اصلی نظامهای اقتصادی که وظیفه مهمی برای رشد و تسهیل فعالیتهای اقتصادی ایفا می‌کند نظام مالی می‌باشد. در کشور ما نهادهای مالی به شکل کامل به وجود نیامنده و در حوزه نهادها، بازارها، ابزارها و قوانین پولی ومالی درکشور دچار کاستی‌های جدی هستیم. به همین دلیل هر چه در بخش حقیقی اقتصاد به خصوص فعالیتهای دانش‌بنیان دستاوردهای مناسبی شکل گیرد بخش مالی برای آن مانع جدی محسوب خواهد شد.

بازار بورس و مشخصاً نهادهای پولی و بانکی کشور باید نسبت به آن‌چه که در سال‌های قبل بودند، تغییرات بسیاری بکنند تا ابزارهای مالی و پولی مورد نیاز برای حمایت از صنایع نوآور، ریسک‌پذیر و کارآفرین کشور فراهم شود. بدون یک بازار سرمایه متناسب با انقلاب اسلامی و شرایط مقاومتی آن، از سرمایه‌ی ایرانی حمایت لازم نخواهد شد و سرمایه‌گذاری در بخشهای تولیدی کشور عمومیت پیدا نخواهد کرد. به همین دلیل در این مقاله در ابتدا سعی می‌کنیم به تبیین جایگاه نظام مالی در نظام اقتصادی بپردازیم و سپس اجزا و روابط نظام مالی به عنوان یک الگوی تحلیلی مورد بررسی قرار دهیم. با توجه به الگوی مورد نظر نظام مالی در ایران را مورد بررسی قرار داده و خلاهای نظام مالی شناسایی خواهد شد و در انتها برای تکمیل نهادهای مالی به عنوان یک راهبرد موثر در پشتیبانی از فعالیتهای بخش حقیقی در اقتصاد مقاومتی راهکارهایی ارائه خواهد شد.

کلمات کلیدی: نظام مالی، اقتصاد مقاومتی، قوانین پولی و مالی، نظام اقتصادی، صندوقهای سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر، نهادهای رتبه‌بندی

۱. مقدمه

نامگذاری سال گذشته به نام سال جهاد اقتصادی و امسال با عنوان تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، مطابق فرمایشات مقام معظم رهبری، حاکی از اولویت و فوریت مسائل اقتصادی نسبت به سایر مسائل کشور است. از طرف دیگر مراحل اصلاحات اقتصادی نیز در این نامها جایگاه خود را نشان می‌دهد. علت این اولویت‌بندی، ارائه یک الگو برای اثبات امکان پیشرفت اقتصادی یک کشور در سایه اسلام و تعالیم اسلامی، و نهایتاً الهام‌بخشی در عرصه جهانی است.

در ساختار نظام اسلامی ما، ترسیم خطوط کلی حرکت کشور و تعیین اولویت‌های کلان، در حیطه وظایف جایگاه رهبری است؛ و تدقیق این اهداف، ارائه راهبرد، تعیین اولویتهای بخشی و نهایتاً عملیاتی کردن خواسته‌های ایشان، از جمله وظایف لایه‌های پایین‌تر حاکمیت است. اصولا یکی از وظیفه‌های اصلی سطوح کارشناسی فهم دقیق ارزشها و بایدهایی است که از جانب لایه‌های ارزشی مشخص شده است و طراحی ساز و کارها، نهادها و مقدماتی است که برای تحقق اهداف باید مد نظر قرار گیرد. کارشناس وظیفه نشان دادن چگونگی تبدیل ارزشها به روشها را دارد یک کارشناس واقعی باید مشخص کند که چگونه معانی به ماده تبدیل می‌شود و یا اینکه خواسته‌ها تبدیل به داشته‌ها می‌گردند.

بنابراین برای تحقق تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نیز وظیفه کارشناسان نشان دادن چگونگی تحقق آن است. ابتدا باید معانی و مفاهیم پایه در هر کدام از این موارد مشخص گردد و سپس اصول و قواعد مناسب برای رسیدن به نتایج مورد انتظار که همان به ثمر رسیدن تولید ملی است محقق شود. در ادبیات اقتصادی تولید به معنای تبدیل نیروی کار و سرمایه در قالب یک فرایند به کالا و خدمات است. نحوه تبدیل عوامل تولید به خروجی تعبیر به تابع تولید می‌شود که یکی از اجزای بسیار مهم در این فرایند فناوری است که توانایی تبدیل ورودی به خروجی می‌باشد. اما در ادبیاتی که مقام معظم رهبری اشاره دارند معنای وسیع‌تری از تولید را در نظر دارند تولید هم به موضوع کالا و خدمات باز می‌گردد

> «تولید یعنی چه؟ مقصودم فقط تولید کالا نیست؛ تولید در یک گستره‌ی وسیع باید شعار ملت باشد. تولید کار، تولید علم، تولید فناوری، تولید ثروت، تولید معرفت، تولید فرصت، تولید عزت و منزلت، تولید کالا و تولید انسانهای کارآمد؛ اینها همه تولید است. رمز سعادت ملت ما در این است که در این گستره‌ی وسیع، هم دولت و هم ملت، بر این تولید همت بگماریم.». بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۵/۱/۱

نکته حائز اهمیت در این زمینه آن است که تولید در فرایند اقتصادی در ارتباط با سایر اجزای نظام اقتصادی معنادار خواهد بود که یکی از مهمترین آنها نظام مالی است. هر فعالیت اقتصادی برای شکل‌گیری و هر مبادله

اقتصادی بر انجام نیازمند منابع مالی است و برای تامین آن و تسهیل فعالیتهای مرتبط با نظام مالی نقش آفرین می‌باشد. در این مقاله سعی داریم تا با نگاه جامع به نظام اقتصادی در ایران خلاهای موجود در نظام مالی را برای تامین مالی تولید ملی نشان دهیم.

۲. جایگاه نظام مالی در فضای کسب و کار در ایران

تحلیل فضای کسب و کار نشان می‌دهد که زیست‌بوم این بنگاهها برای رشد و نمو آنها در ایران از بهره‌وری کافی برخوردار نیست. شاخص فضای کسب و کار در ایران در سال ۲۰۱۲ حائز رتبه ۱۱۴ شده است که نسبت به سال پیش ۴ رتبه تنزل داشته است. این امر نشان‌دهنده در تنگنا بودن بنگاهها از ابعاد مختلف می‌باشد همانگونه که در جدول ۳ نشان داده شده است یکی از مسائل جدی شاخص اخذ اعتبار بنگاههاست که به ساختار نظام مالی باز می‌گردد. این شاخص نشان‌دهنده آن است که تا چه میزان نظام اطلاعات اعتباری و قوانین وثیقه و ورشکستگی در ایران دسترسی به اعتبار برای بنگاهها را تسهیل می‌کند.

جدول ۲. شاخصهای اخذ اعتبار(world bank, ۲۰۱۲)

شاخص	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
رتبه	-	-	-	-	-	-	۹۶	۹۸
قدرت حقوق قانونی (۱۰-۰)	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
عمق اطلاعات اعتباری (۶-۰)	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۴	۴
درصد پوشش عمومی	-	۱۳.۷	۱۳.۷	۲۲.۲	۲۱.۷	۳۱.۳	۲۲.۷	۲۶.۵
درصد پوشش دفاتر خصوصی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴.۵	۲۴.۴

در این شاخص میانگین رتبه کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا ۱۱۹ می‌باشد در صورتی که رتبه ایران در سال ۹۸ می‌باشد(world bank, ۲۰۱۲)

گزارش دیگر در مورد رقابت‌پذیری کشورها می‌باشد که اقتصاد ایران را ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داده است. در گزارش سال ۲۰۱۱، وضعیت ۱۴۲ کشور مورد بررسی و حدود ۱۱۱ متغییر مختلف مورد اندازه‌گیری و مقایسه قرار گرفته است. رتبه ایران در این گزارش ۶۲ تعیین شده است که نسبت به سال ۲۰۱۰ شاهد بهبود ۷ رتبه‌ای هستیم. در این گزارش ایران در مرحله گذار از اقتصاد متکی بر منابع به اقتصاد متکی بر کارایی شناخته شده است.

در این شاخص که از ترکیب ۱۲ دسته شاخص به دست آمده است در بخش مالی شاخصهای دسترسی به خدمات مالی، قابلیت تامین خدمات مالی، تامین مالی از طریق بازارهای محلی سهام، سهولت دسترسی به وام، دسترسی به سرمایه‌گذاری مشترک، محدودیت در جریان سرمایه، صحت و سلامت بانک‌ها و قوانین و مقررات مربوط به بورس اوراق بهادار را شامل می‌شود.

جدول ۳. شاخصهای توسعه بازارهای مالی(world competitiveness report," ۲۰۱۱")

ردیف	شاخص	امتیاز	رتبه
۱	دسترسی به خدمات مالی	۳.۱	۱۳۴
۲	قابلیت تامین خدمات مالی	۳.۱	۱۳۰
۳	تامین مالی از طریق بازارهای سهام محلی	۳۴	۸۰
۴	سهولت دسترسی به وام	۱.۷	۱۳۷
۵	دسترسی به سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر	۱.۸	۱۳۳
۶	سلامت بانکها	۴.۸	۱۱۳
۷	مقررات مبادله اوراق بهادار	۳.۹	۸۹
۸	شاخص حقوق قانونی	۴.۰	۸۹

امتیاز ایران در سال ۲۰۱۰ به اندازه ۳۷ /۳ است که حائز رتبه ۱۲۰ شده است و در سال ۲۰۱۱ امتیاز ایران به ۳/۰۹ تنزل پیدا کرده است که به همین ترتیب رتبه ایران به ۱۲۳ تنزل پیدا کرده است. این امر نشان دهنده این است که در بخش نظام مالی وضعیت سخت‌تر شده است. اما از طرف دیگر موانعی نیز در این گذار وجود دارد که بر اساس این گزارش مهمترین آن دسترسی به تامین مالی است که در مجموعه ساختار مالی با مشکل روبروست.(world competitiveness report," ۲۰۱۱")

نمودار ۲. مهمترین مشکلات انجام کسب و کار در ایران (world competitiveness report," ۲۰۱۱)

دسترسي به تامين مالي	۱۹.٤
ثبات سياستگذاري	۱۳.۷
تورم	۱۱.۱
بوروكراسي ناكارآمد دولتي	۱۰.٦
زيرساخت ناكافي	۹.۹
مقررات محدودكننده نيروي كار	۷.۰
مقررات ارزي	٥.۸
كمبود نيروي كار تحصيل‌كرده	٤.٥
اخلاق كار ضعيف در نيروي كار	٤.۳
فساد	٤.۲

نرخ مالیات	٤.١
مقررات مالیات	٣.٥
عدم ثبات دولت	٠.٩
سلامت پایین عمومی	٠.٥
جرم و دزدي	٠.٤

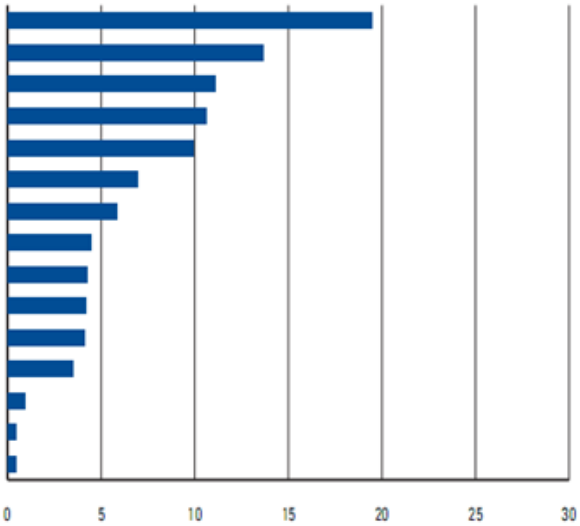

نصیری اقدم و نادران در یک مطالعه موردی در مورد بنگاههای کوچک نشان دادند که تامین منابع مالی در بنگاههای ایرانی دچار مشکلات جدی است به همین دلیل بسیاری از بنگاهها از منابع داخلی فرایندهای بنگاه را تامین مالی کنند. هزینه عدم دسترسی آزادانه به شیوه تامین مالی متناسب مهم‌ترین هزینه‌است که بر بنگاه تحمیل می‌شود. در واقع این محدودیت یکی از دلایلی است که کسب حقوق مالکیت جدید و حفاظت از حقوق موجود را در زیست بوم فعالیت بنگاه، پرهزینه می‌کند. این هزینه‌های ناشی از چارچوب نهادی، قدرت رقابت بنگاه را مجدود می‌نماید و در بلند مدت از صنعت خارج می‌کنند. (نصیری‌اقدم & نادران, ۱۳۸۵)

مطالعه وضعیت موجود بنگاهها در ایران نشان می‌دهد که آنها از مسائل محیطی برای ارتقا فعالیتهای نوآورانه و رقابت در بازار رنج می‌برند. طبق مطالعات در ایران نشان داده شده است که مهمترین مسئله رشد بنگاهها عدم دسترسی مناسب به منابع مالی می‌باشد که باعث شده تا بنگاهها امکان توسعه فعالیتهای نوآورانه خود را در راستای بهبود رقابت‌پذیری خود نداشته باشند و این امر منجر به عدم توازن توزیع بنگاهها شده است به گونه‌ای که بسیاری از بنگاهها خرد و کوچک هستند و بنگاههای بزرگ نیز اغلب به ساختار دولتی وابسته می‌باشند. در ادامه مباحث نظری تامین مالی فعالیتهای نوآورانه را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۳. رابطه نظام مالی با اقتصاد

عملکرد بهینه هر نظام اقتصادی، مستلزم وجود دو بخش حقیقی[۱] و مالی[۲] کارا و مکمل قدرتمند و تحت نظارت است. این دو بخش همانند دو چرخ یک دوچرخه می باید همگام و همسو با یکدیگر باشند تا حاصل عملکرد آنها رشد و توسعه اقتصادی را به ارمغان آورد. فعالیت پویا و مبتنی بر برنامه این دو بخش در کنار

۱- Real Sector

۲ - Financial Sector

یکدیگر شرط لازم و کافی برای حرکت مطلوب اقتصادی بشمار می رود. تعادل باثبات و بلندمدت هر نظام اقتصادی هنگامی بدست می آید که این دو بخش با ارتباطات درونی خود شرایط تعادلی عمل کنند.

شکل ۱. تاثیر ساختار بخش مالی بر بخش واقعی

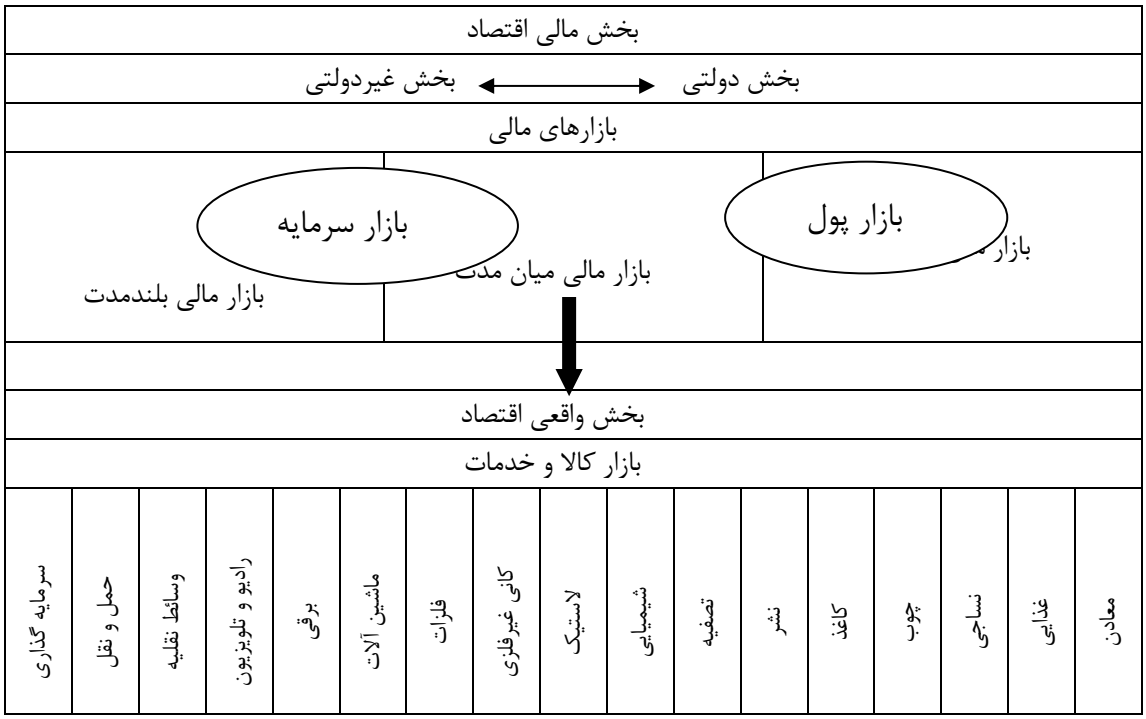

پیش نیاز یک ارتباط بین توسعه مالی و رشد اقتصادی مستلزم نادیده گرفتن فروض نئوکلاسیک است. بدون وجود هزینه های معاملاتی و مبادلاتی و در جهانی با تقارن اطلاعات دیگر نیازی به نظام مالی نیست چون در یک فرایند طبیعی سرمایه به سمت پروژه هایی با بیشترین بازده می رود. دوم اینکه در این مدل سطح و نوع توسعه مالی نیز بی تاثیر است در صورتی که در جهان واقع شاهد نامتقارن بودن اطلاعات[۳] هستیم و نیاز به نوع خاصی از نظام مالی بسته به نوع اقتصادی که در آن هستیم داریم. بخش مالی اقتصاد را می توان مجموعه ای از پس انداز کنندگان، وام گیرندگان و موسسه های مالی دانست که دارای ارتباط متقابل با یکدیگرند. این بخش وظیفه انتقال پس اندازها و تخصیص آنها به عنوان منابع سرمایه گذاری را به عهده دارد. بخش مالی عبارت است از مجموعه ای از نهادهای مالی که برای تسهیل جریان پول و اعتبار بین بازرگانان، خانوار و دولت تاسیس شده و در بازارهای مالی به فعالیت می پردازند.

شکل ۲. شبکه تشکیل دهنده نظام مالی

---

۳ - Information Asymmetry

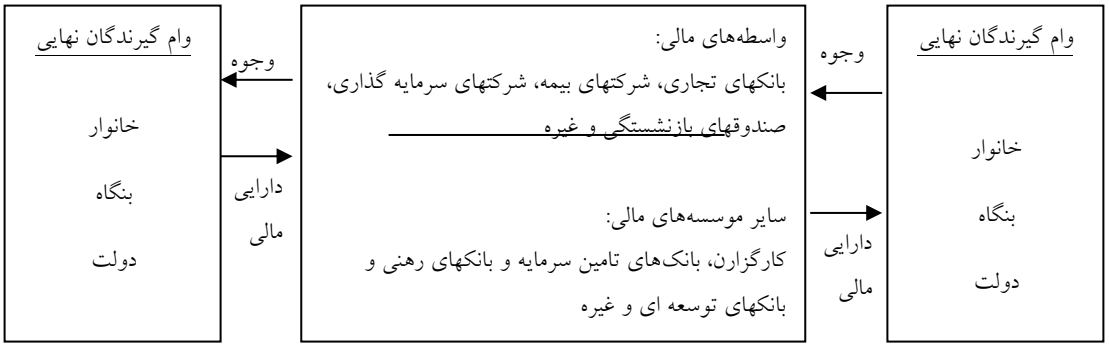

ماخذ(والی‌نژاد،۱۳۸۳)

هدف نظام مالی را می توان تخصیص بهینه منابع مالی در راستای کمک به رشد اقتصادی و در نهایت افزایش رفاه عمومی دانست. این نظام انجام وظایف متعددی را بر عهده دارد:

- جذب و توزیع پس اندازها (تجهیز و تخصیص منابع)
- توزیع ریسک و مدیریت آن
- تعیین قیمت وجوه و سرمایه
- انتشار اطلاعات و تحلیل آن
- تسهیل داد و ستدها (ایجاد نقد شوندگی)(شیوا،۱۳۷۸)

میزان پیشرفت نظام مالی به درجه رشد و توسعه اقتصادی بستگی دارد؛ از این رو کشورها بر حسب درجه توسعه یافتگی دارای نظام های مالی گوناگون هستند. در بیشتر کشورهای در حال توسعه کارکرد بهینه بخش مالی به شکل بایسته مورد توجه قرار نگرفته است و این بخش تنها به کانالی برای انتقال سرمایه به بخش هایی که به تشخیص برنامه ریزان (مدیران دولتی) از اولویت برخوردار است تبدیل شده اند. در این کشورها عدم توجه به میزان کارآیی بخش مالی و بهبود آن برای بسیج منابع مالی، تضعیف نظام مالی را از جنبه های متعددی در پی داشته است. به عنوان نمونه تخصیص منابع مالی را نابهینه ساخته و اعطای اعتبار با نرخهای یارانه ای بازده مطلوب بر فرایند تولید نداشته است. از این رو و در راستای بهبود بازارهای مالی بانک جهانی در گزارش سالانه خود که تحت عنوان «نظامهای مالی و رشد اقتصادی» در سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۹ میلادی) انتشار داد، ایجاد یک بخش مالی کارآمد و تابع بازار آزاد را عامل ضروری برای رشد مستمر اقتصادی اعلام داشت.(Gelb، ۱۹۸۹)

٤. بررسی نظامهای مالی

نظامهای مالی وظیفه تامین منابع مالی ارزان، به اندازه و بهنگام را برای فعالیتهای بخش حقیقی اقتصاد بر عهده دارند. در حقیقت می‌توان نقش تسهیل‌گری را در این نظام از نکات کلیدی در نظر گرفت که به عنوان بخش مجازی باید در خدمت بخش حقیقی اقتصاد قرار گیرد.

۴/۱. ارکان نظام مالی

نقش حساس و کلیدی بخش مالی در تحریک، استحکام و تداوم رشد اقتصادی در ادبیات دهه اخیر مورد توجه و تأکید فراوان قرار گرفته است. تضمین کارایی و پایداری نظام مالی در گرو کیفیت کارکرد انفرادی و تعاملات پویایی ارکان آن می‌باشد. ارکان یک نظام مالی را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد :

- ابزارهای مالی : اسنادی مبنی بر تعهدات مالی، مانند اوراق قرضه، سهام، اوراق مشتقه و .... می‌باشند.
- بازارهای مالی : سکان‌ها یا ساز و کارهایی که در قالب آنها ابزارهای مالی مبادله می‌گردند، مانند بازارهای سرمایه و بدهی، اولیه و ثانویه، رسمی و غیررسمی و .... هستند.
- نهادهای مالی : نهادهایی هستند که ابزارهای مالی را انشاء و مبادله می‌نمایند مانند بانکهای تجاری و تخصصی، شرکتهای بیمه و تأمین اجتماعی، شرکتهای سرمایه‌گذاری، عاملان رتبه‌بندی، شرکتهای رهن و اجاره و ...
- قوانین و مقررات مالی : قوانین حاکم بر روابط و فعالیتهای نهادهای مالی در بازارهای مالی می‌باشند، مانند مقررات مالکیتی، مالیاتی، حسابداری، انشاءسازی و .... .

هدف عمده سیستم مالی، فراهم‌سازی وسیله مبادله و تسهیل فرایند قرض‌گیری و وام‌دهی بین آحاد اقتصاد دچار کمبود و مازاد مالی می‌باشد. در راستای تحقق این هدف اصلی، سیستم مزبور وظایفی را بر عهده دارد که عبارت است از :

- پرداختهای تهاتری و تسویه
- تخصیص منابع مالی با حداقل هزینه معاملاتی و حداکثر سرعت
- نقل و انتقال منابع اقتصادی
- مدیریت ریسکهای ذاتی در معاملات مالی
- ارائه اطلاعات شفاف به طور کارا
- ارائه خدمات متنوع و کامل مالی

هنگام ارزیابی نظامهای مالی هر یک از این ارکان را می‌توان محل بحث قرار داد. اما با توجه به اینکه بازارهای اصلی در نظامهای مالی کارکردهای اصلی فوق را محقق می‌کنند. نظامهای مالی را بر اساس بازارهای آن مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴/۲. بازار پول

بازار پول یک بازار عمده فروشی برای بدهی های کم ریسک _ بانقدینگی زیاد و کوتاه مدت است. ابزارهای مالی کوتاه مدت که سررسید باز پرداخت آنها کمتر از یک سال است در این بازار معامله می شوند. موجودی ابزارهای بدهی بازار پولی شامل حجم عظیمی از تعهدات خزانه داری و اوراق بهادار منتشره توسط نمایندگی های دولت مرکزی می باشد . همچنین گواهی های سپرده قابل انتقال ،اسناد قرضه شهرداری ها و اوراق بهادار تجاری در بازار پول معامله می شوند.

یکی از امتیازات عمده بازار پول این است که شرکتها و موسسات دارای وجوه مازاد قابل توجه ، توسط این بازار به متقاضیان دسترسی پیدا نموده و وجوه نقد خود را در اختیار آنان قرار می دهند .

۴/۳. بازار سرمایه

بازار سرمایه بازاری است که ابزارهای مالی بلند مدت با سررسید بیش از یکسال در آن مورد معامله قرار می گیرد . وظایف این بازار در مفهوم گسترده آن به شرح زیر است :

۱.تشکیل سرمایه در اقتصاد ملی

۲.مسئول تامین سرمایه بنگاهها

۳.تعیین ارزش و قیمتهای ذاتی ابزارهای مالی

شرکتها و بنگاههای تجاری که برای تامین سرمایه خود نمی توانند منابع کافی از محل پس اندازهای خود (سود انباشته و ذخایر استهلاک) فراهم نمایند با کسری وجوه روبرو می شوند که می توانند کسری خود را از یکی از راههای زیر تامین کنند :

۱.انتشار سهام عادی و ممتاز (ابزارهای مالکیتی)

۲.انتشار اوراق قرضه (ابزارهای بدهی بلند مدت)

۳.استقراض از بازار پول (توسط ابزارهای بدهی کوتاه مدت)

به این روشها تامین مالی بیرونی می گویند .همچنین حکومت های محلی و مرکزی و موسسات و نهادهای تابعه نیز جهت تامین مخارج سرمایه ای خود وارد بازار سرمایه می شوند . بانکهای تجاری مجاز به پذیره نویسی سهام اوراق بهادار نیستند ولی نقش بزرگی در خرید تعهدات بخش عمومی ایفا می کنند . بورس اوراق بهادار نیز از آنجا که محل معامله اغلب ابزارهای مالکیتی یا حقوق صاحبان سهم نظیر سهام عادی و ممتاز و مشتقات آنها است ، بازار سرمایه محسوب می شود .

۴/۴. بازار بیمه و ضمانت

توسعه بازار مالی راز بقای اقتصادهای پیشرفته است. دستگاه مالی در اقتصاد همانند دستگاه گردش خون در بدن نقش حیاتی را ایفا می‌کند و در این میان بیمه در کنار بورس و بانک این ساختار تکمیل می‌کند. این سه بازار نقش اساسی در توسعه مالی و تسهیل دیگر فعالیتهای اقتصادی ایفا می‌کنند. بانک برای تسهیل گردش پول و سرمایه‌های نقدی بورس با هدف تسهیل گردش سرمایه و داراییهای سرمایه‌ای و بیمه با قصد ایجاد اطمینان و مالکیت داراییها تشکیل می‌شود. بیمه به تنهایی به توسعه بازار پول (بانک) و بازار سرمایه (بورس) کمک می‌کند.

نقش بیمه و بانک در توسعه بازار سرمایه از ماهیت بازار این دو گروه مؤسسه ناشی می‌شود. پول بدون اطمینان در تشکیل سرمایه کارساز نخواهد بود و بیمه بدون وجود پول و سرمایه نقدی توان ایجاد اطمینان ندارد. بازار سرمایه با وجود سرمایه پولی و فقدان شرایط اطمینان دوام نمی‌آورد. متقابلاً یک بازار سرمایه بهره‌مند از شرایط اطمینان و فاقد جریان کافی سرمایه‌های پولی راه به جایی نخواهد برد. بیمه در کلیه شاخه‌ها و رشته فعالیتهای اقتصادی به گسترش اطمینان کمک می‌کنند. یکی از این زمینه‌ها بازار مالی است که بیمه نقش فعالی در آن بازی می‌کند. حساسیت بازارهای پول و سرمایه و نوسانها و ضربه‌پذیری این دو بازار تحت تأثیر تحولات اقتصادی و غیر اقتصادی، نیازمند سازوکار مناسب برای ایجاد اطمینان در این بازارها است.

شکل زیر نحوه ایجاد سرمایه را به وسیله حلقه واسط بازار ایجاد اطمینان مشخص می‌کند:

شکل ۳ : نحوه ایجاد سرمایه را به وسیله حلقه واسط بازار ایجاد اطمینان

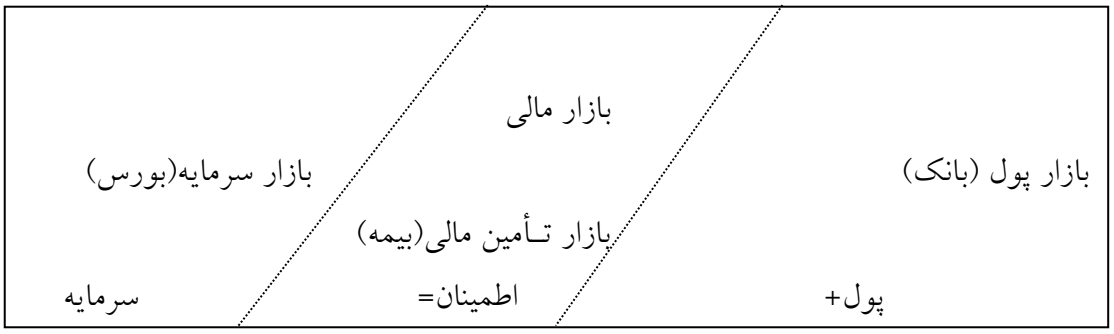

نقش بیمه در کشورهای در حال توسعه ضعیف و نارسا می‌باشد. در بازارهای مالی ایران که بازار پول و بازار سرمایه به درجه رشد و تکامل بیشتر نیاز دارند، بازار پول عمدتاً در قلمرو بانکها و بازار سرمایه در مجموعه بورس یا بازار ثانویه محدود شده است. گسترش این دو بازار بدون بازار بیمه میسر نخواهد بود. راهکارهای عملی این است که نقش بیمه در بازار ملی بطور دقیق ارزیابی و سازوکارهای پیشرفته بیمه‌ای مورد بهره‌برداری واقع شود، تا بیمه جایگاه اصلی خویش در اقتصاد را پیدا کند. ایجاد بیمه‌های تخصصی در قلمرو بازار از جمله بیمه سپرده، بیمه سهام، بیمه بدهی و بیمه سایر اقلام مالی به توسعه بازارهای پول و سرمایه می‌انجامد.

۵. نهادهای مغفول در اقتصاد ایران

با توجه به اهمیت و ضرورت بازسازماندهی نظام مالی در ایران در جهت تحقق تولید ملی به نظر می‌رسد در راستای طراحی سیستمی از ابعاد مختلف باید این نظام را بازمهندسی کرد. اجزاء، روابط و تعاملات بین نظام مالی و سایر زیرنظامهای اقتصادی مانند تولید، مصرف و بازار هر کدام باید به نحو بهینه‌ای طراحی گردد. در این راستا یکی از مسائل مهم این است که نظام مالی کشور فاقد برخی نهادهای مالی لازم برای تحقق کارکردهایش می‌باشد. البته لازم به ذکر است که طی سالیان گذشته با توسعه نظام مالی و به طور مشخص بازار سرمایه شاهد حضور نهادهای مالی جدید مانندصندوقهای مشاع سرمایه‌گذاری و یا شرکتهای تامین سرمایه هستیم که منشا خدمات ارزشمندی بوده‌اند. در بازار پول و ضمانت نیز نهاد رتبه‌سنجی ایران شکل گرفته است. اما این نهادها نوپا هستند و باید توجه بیشتری به آنها داشت و از طرف دیگر سایر نهادهای لازم برای توسعه مالی نیز باید در نظر گرفته شود.

۵/۱. نهادهای بازار پول

۵/۱/۱.بانک توسعه ای

بانک های توسعه در دستیابی به توسعه صنعتی و پی آمد آن ، توسعه اقتصادی در کشورهایی که عقب مانده یاکمتر توسعه یافته بودند ، نقش موثر – مثبت و سازنده ای ایفا کردند و به همین دلیل در سطح جهان به ایجاد و گسترش آنان کمک شده است تا به عنوان ابزاری در اختیار برنامه های توسعه اقتصادی ملل جهان قرار گیرند. آنچه اکثر نظریه‌پردازان بانکداری توسعه‌ای تقریبا بر آن اتفاق نظر دارند و تجارب موفق برخی کشورها نیز بر آن صحه می‌گذارد بدین قرار است که بانک توسعه‌ای همان وظایف بانک تجاری، یعنی تجهیز و تخصیصی منابع را انجام میدهد، ولی راهبردهایش متفاوت است. در راستای هدف تسهیل و تسریع روند توسعه اقتصادی و هدایت سرمایه گذاریها،می توان دو وظیفه زیر را که معطوف به دو راهبرد است ،برای موسسات مالی توسعه ای بر شمرد:

- راهبرد معطوف به نگاه بنگاه(وظایف مالی)
- راهبرد معطوف به نهاد بازار(وظایف غیر مالی)

در راهبرد اول بانک توسعه‌ای منابع مالی بلند مدت را با شرایط به نسبت مناسب از داخل و خارج از کشور تجهیز می‌کند و آنها را با شرایط نسبتا مناسب همراه با مشاوره‌های تخصصی به کارآفرینان بخش خصوصی تخصیص میدهد. در راهبرد دوم که معمولا همگام با راهبرد اول است، می‌کوشد ویژگی‌های کارآفرینی و فعالیت بخش خصوصی را تقویت کند و هزینه‌های معاملاتی را کاهش دهد.

بانک توسعه‌ای به سبب ارتباطات گسترده با بنگاههای اقتصادی (در سطح خرد اقتصادی)، تجربه و اطلاعات ارزنده‌ای از فعالیت و مشکلات آن‌ها را به دست می‌آورد، از این رو در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان،

وضع قوانین کار و تجارت و مالیات (سطح کلان اقتصادی) مشارکت مجدانه می‌جوید واز این طریق به تنظیم روابط اقتصادی و کاهش هزینه‌های معاملاتی و در مجموع به ارتقای فضای رقابتی در بازار مدد می‌رساند.

۵/۱/۲.بانک امین

از جمله نهادهایی که در اقتصاد بانک محور ژاپن محوریت خاصی دارند می توان به بانکهای امین اشاره کرد. در حقیقت بانکداری امین بخش اعظمی از صنعت بانکداری ژاپن را به خود اختصاص داده است. این بانکها خدمات تامین مالی را با خدمات مدیریت دارایی تلفیق نموده اند. آنها علاوه بر ارائه خدمات بانکی سنتی با با به کارگیری تخصص خود در زمینه مدیریت داریایی، مشتریان بیشتری جذب می‌نمایند. از جمله خدمات ارائه شده توسط این بانکها میتوان به مشاوره سرمایه‌گذاری، مدیریت پرتفوی دارایی های مالی مشتری، مدیریت املاک مسکونی و برنامه‌ریزی در زمینه سرمایه گذاری در این نوع دارایی‌ها و امانتداری دارایی‌های مالی ارزشمند مشتریان، اشاره نمود.

۵/۱/۳.اعتبارسنجی

عملیاتی‌نمودن سامانه‌های اعتبارسنجی، به عنوان یکی از راهکارهای عملیاتی بهبود فضای کسب و کار در فضای بانکی محسوب می‌شود که با رغبتی روزافزون مواجه شده است. این صنعت از قدمتی پنجاه ساله برخوردار می‌باشد و ایجاد و توسعه آن در دهه‌های اخیر از روندی تصاعدی برخوردار بوده است. تقاضای روزافزون موجود در کشور برای منابع مالی بانک‌ها از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی در سال‌های اخیر و محدودیت‌ها و خلاهای اطلاعاتی موجود در زمینه بررسی و ارزیابی اعتباری مشتریان، ضرورت ایجاد و توسعه نهاد رتبه‌بندی و اعتبارسنجی را بیش از پیش نمایان ساخت. بر همین اساس مجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک‌های دولتی و خصوصی و سایر موسسات اعتباری کشور اقدام به ایجاد الگویی غیردولتی جهت تامین اطلاعات اعتباری مورد نیاز بانک‌ها نمودند. نتیجه این امر تاسیس شرکت مشاوره رتبه‌بندی اعتباری ایران در آبان ماه سال ۱۳۸۵ بود.

برخی از آثار سامانه اعتبارسنجی بر دسترسی به تسهیلات در راستای بهبود فضای کسب و کار به اختصار ارائه می‌شود:

- مؤسسات رتبه‌بندی اعتباری (Credit Bureau) و یا اصطلاحا **سامانه‌های اعتبارسنجی** از جمله عناصر ضروری زیربنای ساختارها و نهادهای مالی به‌شمار می‌روند که فرآیند دسترسی به منابع مالی را تسهیل می‌نمایند. به همین دلیل سازمان‌های بین‌المللی نظیر بانک جهانی تاسیس آن‌ها را در کشورهای در حال توسعه مورد حمایت قرار می‌دهند.

- امروزه کمتر از ۲۵درصد مردم ساکن در کشورهای در حال توسعه به خدمات مالی رسمی دسترسی دارند در حالیکه این نسبت در بازارهای توسعه یافته بیش از ۹۰درصد است. سامانه اعتبارسنجی به عنوان عامل بسیار مهمی در توسعه خدمات مالی به صورت عادلانه در همه بخش‌ها نقش اساسی ایفا می‌نماید.
- بانکها در فرآیند توسعه خدمات مالی نقش کلیدی برعهده دارند. این در حالیست که بانک‌های تجاری منابع خود را عمدتاً به شرکتهای بزرگ اختصاص می‌دهند و از آنجاییکه ارائه خدمات به کسب و کارهای کوچک و آحاد مردم بسیار هزینه‌بر است از این‌رو این بخشها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند.
- ایجاد سامانه اعتبارسنجی یک تحول عمده در رویکردهای سنتی بانکها است و موجب می‌شود خدمات مالی توسعه یافته و هزینه های ارائه خدمات و اعتبارات مالی کاهش یابد.
- سامانه اعتبارسنجی در واقع سیستمی است که اطلاعات مرتبط با سابقه اعتباری تسهیلات گیرندگان (افراد، کسب و کارهای کوچک و شرکت‌های بزرگ) را از طریق بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری و سایر منابع عمومی در دسترس جمع‌آوری می‌نماید و بر اساس آن گزارشی تحت عنوان «Credit Report» منتشر می کند. در این گزارش‌ها علاوه بر ارائه اطلاعات خام، بر اساس مدل‌های ریاضی و آماری، امتیازاتی نیز به هر فرد و یا شرکت تعلق می‌گیرد که احتمال عدم بازپرداخت تسهیلات توسط وام‌گیرنده را برآورد می‌نماید.
- تعداد سامانه‌های اعتبارسنجی در سال های اخیر رشد چشمگیری داشته‌اند بطوریکه تعداد آنها در ده سال گذشته حدود ۵ برابر شده است.
- بر اساس مطالعات بانک جهانی در مورد ۵۰۰۰ شرکت کوچک و زودبازده در ۵۱ کشور دنیا، با استفاده از خدمات سامانه‌های اعتبارسنجی، محدودیت‌های تأمین مالی کاهش یافته و احتمال دستیابی به تسهیلات اعتباری با روند رو به رشدی مواجه بوده‌است.
- بر مبنای برخی اصول مسلم اسلامی، از جمله اصل بنیادین عدالت و اصل فقهی برائت، سامانه‌های اعتبارسنجی به عنوان یکی از مهمترین ابعاد نظام بانکداری اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرند.
- بر اساس مطالعه بانک جهانی، سامانه‌های اعتبارسنجی بطور متوسط تا ۴۰ تا ۸۰ درصد از معوق‌شدن تسهیلات بانکی جلوگیری می‌کند.(شرکت مشاوره رتبه‌بندی اعتباری ایران،۱۳۸۹)

۵/۲. نهادهای بازار سرمایه

۵/۲/۱.سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر(vc)

تأمین منابع مالی فعالیتهای نوآورانه مرتبط با توسعه ی تکنولوژی ،از طریق مکانیزمهای مختلفی قابل انجام است که در این میان ،نقش صندوقهای سرمایه گذاری ریسک پذیر از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.زیرا

به علت ریسک ذاتی نهفته در طرح های نوآورانه و ماهیت بلند مدت سرمایه گذاری در این نوع فعالیت ها ،مکانیزمهای مالی و اعتباری جهت تأمین مالی آنها مناسب نیستند.

تعاریف متعددی از سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر ارائه شده است که در اینجا به چند تعریف اشاره می‌کنیم:

پولی که در شرکتهای نوپا بخصوص با ریسک بالا سرمایه‌گذاری می‌شو(Cambridge Dictionary)

فرهنگ لغت حاکمیت شرکتی تعریف دقیق‌تری از سرمایه ریسک‌پذیر ارائه می‌کند:

وجوهی که به شرکتهای نوپا و کوچک با رشد مورد انتظار بالا در قبال مالکیت و کنترل شرکت واگذار می‌شود. (Corporate Governance Glossary)

سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر در اقتصادهای متفاوت بسته به نوع و ساختار آنها تعاریف متفاوتی را به همراه دارد و به همین صورت نقش‌های متفاوتی در این اقتصاد بازی می‌کند. ولی سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر که در آمریکا برای اولین بار شکل گرفت و منشا رشد فراوان اقتصادی در دره سیلیکون گشت که بعدها الگوی بسیاری از کشورها شد چند ویژگی خاص را به همراه داشت:

- منابع مالی شرکتهای نوین و کوچک و به سرعت در حال رشد را تامین می‌کند.
- در مالکیت این شرکتها سهیم می‌شود.
- در توسعه محصولات، خدمات و فرآیندهای نوین کمک می‌کند.
- با مشارکت فعالانه خود، برای شرکت مورد نظر ارزش افزایی می‌کند.
- با انتظار کسب سود فراوان خطر بیشتری را می‌پذیرد.
- جهت گیری بلندمدت دارد.

بنابراین مشارکت شرکتهای سرمایه‌گذاری خطرپذیر تنها به تامین منابع مالی محدود نیست بلکه شامل ارائه حمایتها و مشاوره‌های مداوم نیز هست و همچنین این شرکتها نقش‌های عملی و اجرایی دارند و از آنجا که مانند دیگر مالکان در خطر شرکتها شریک‌اند، هماهنگی نزدیکی با اهداف آنها دارند.

۵/۲/۲.بورس نفت

بدون شک، بورس نفت ایران که احتمال می رفت نام بورس نفت خلیج فارس برای آن انتخاب شود، یک تحول عظیم و تاریخی و نقطه عطفی در ساختار اقتصادی و تجاری کشورمان محسوب خواهد شد که بخش های مختلف صنعتی، مالی، بانکی، بیمه، گمرکی، بازرگانی، حمل و نقل، توریسم، فناوری اطلاعات و قانونگذاری کشور از آن تاثیر خواهند گرفت. طبق نتایج مطالعات کمیته فنی راه اندازی بورس نفت کشور، در مراحل اول که تنها فرآورده های پتروشیمی طی سال های گذشته در بورس کالا داد و ستد شد، اما مقرر شده است تا نفت کوره و خام با راه اندازی قطعی بورس نفت در فروردین ماه سال ۱۳۹۰ در آن بازار معامله شود؛ ضمن آن که در سال

۱۳۸۵ ورود نفت سوآپ در این بورس نیز مد نظر بود تا ضمن تمرین برای بخش های دست اندرکار، زمینه لازم جهت ورود سایر محصولات نفتی به این بورس فراهم شود .

از سوی دیگر، راه اندازی بورس نفت گام بزرگی در جهت خصوصی سازی و مردمی کردن بخش مهمی از بدنه دولت خواهد بود. تحقق این هدف و سپردن امور به مکانیزم بازار و اطلاع رسانی آنلاین و شفاف از روند معاملات، کمک بزرگی به شفاف سازی صنعت نفت کشورخواهد کرد. یکی از ضرورت های تشکیل بورس نفت ایران، محصول استراتژیک نفت است که بخش اعظم درآمدهای کشور به آن وابسته بوده و به عنوان یک مزیت نسبی مطرح است. برخی از تحلیلگران خارجی به بهانه ایجاد مناقشه بیشتر بین ایران و آمریکا، هدف ایران از راه اندازی بورس نفت را تبدیل پایه معاملاتی از دلار به یورو و در نتیجه کاهش ارزش دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی و در نهایت، ضربه به سلطه جهانی دلار آمریکا می دانند! آنها حتی این پروژه را استراتژی هوشمندانه حکومت ایران قلمداد کرده اند. برخی از تحلیلگران خارجی پا را از این هم فراتر نهاده و مناقشه پرونده هسته ای ایران و تهدید آمریکا به تحریم اقتصادی و حمله نظامی به کشورمان را پیامد راه اندازی قریب الوقوع بورس نفت یورویی ایران تفسیر می کنند .

البته از یک سو مهمترین کالای صادراتی آمریکا، دلار است و از سوی دیگر، بازار نفت، بزرگترین بازار گردش دلار است .حال اگر یورو بتواند نقش کلیدی دلار در بازار نفت را از آن خود کند، شاهد کاهش تقاضا برای مهمترین محصول صادراتی آمریکا (دلار) و در نتیجه، کاهش ارزش آن خواهیم بود.

مع هذا، این تحلیلگران معتقدند با فرض این که یورو جایگزین دلار شود، نه تنها نیاز اروپا به دلار کاهش پیدا می کند، بلکه ژاپن هم که بیش از ۸۰ درصد نفت مورد نیاز خود را از خاورمیانه وارد می کند، مجبور خواهد شد بخش عمده دارایی های دلاری خود را به یورو تبدیل کند و به موازات آن، آمریکا که بزرگ ترین واردکننده نفت جهان است، برای به دست آوردن یورو ناچار خواهد شد در مبادلات تجاری دارای تراز تجاری مثبت باشد که چنین امری برای آمریکا بسیار سخت خواهد بود. با توجه به کلیت این نظریه که به نظریه جنگ های پترو دلار معروف است، آیا هدف اصلی آمریکا از به جنجال کشیدن پرونده هسته ای صلح آمیزکشورمان، جلوگیری از راه اندازی بورس نفت ایران به عنوان اولین بورس نفت خاورمیانه و کشورهای عضو اوپک بود؟

هدف از این اقدام علاوه بر شفاف سازی معاملات نفت، کاهش ریسک نوسان قیمت نفت، دستیابی به خریداران بیشتر، بازاریابی برای برخی از محصولات پتروشیمی با قیمت مناسب و درآمد ارزی حاصل از داد و ستد معاملات در بورس نفت ودر نهایت، افزایش محصول ناخالا داخلی کشور عنوان شده است .

به هر حال، راه اندازی بورس نفت ایران دستاوردهای قابل توجهی به شرح ذیل برای کشورمان خواهد داشت :

-شکستن انحصار موجود در صنعت نفت .

-ورود بخش خصوصی و افزایش سرمایه گذاری در صنعت نفت.
-دستیابی به قیمت های منطقی تر بر اساس قوانین بازار .
-شفاف سازی قیمت ها و شیوه معاملات .
-تشکیل یک بازار بین المللی در منطقه.
-تاثیرگذاری بورس نفت ایران بر قیمت های جهانی نفت .
-افزایش درآمد ارزی ناشی از داد و ستد در این بازار .
-ایجاد قیمت پایه منطقه خلیج فارس و حتی اس پک در رقابت با قیمت های پایه برنت دریای شمال و وست تگزاس .
-بهره برداری بیشتر از ظرفیت تجارت نفت با آسیای مرکزی و خزر(به شکل سوآپ)
-جذب سرمایه گذاری خارجی و افزایش جایگاه بین المللی ایران (آزادواری،۱۳۹۰)

۵/۲/۳.رتبه بندی

با توجه به گسترش روزافزون خدمات مالی در سراسر دنیا، همواره یکی از دغدغه‌های سرمایه‌گذاران عدم آشنایی افراد و گروه‌هایی است که گاه حتی در دو نقطهء مختلف جهان قصد همکاری با یکدیگر را دارند . به همین دلیل در اکثر کشورهای جهان، موسسات رتبه‌بندی، فعالیت‌هایی را در زمینهء اعتباردهی به اشخاص یا گروه‌های خاص انجام می‌دهند که با توجه به آن‌ها سرمایه‌گذاران بتوانند تصمیم صحیحی را اتخاذ کنند.

در واقع افزایش تقاضای اعتبار، رقابت و ایجاد بخش‌های نوین در اقتصاد، فرصت‌های جدیدی را برای موسسات رتبه‌بندی به وجود آورده است که با به کارگیری ابزارها و روش‌های جدید، خدمات مناسبی را ارایه دهند. در واقع چنانچه موسسات رتبه‌بندی به فعالیت بپردازند، می‌توان ریسک‌های موجود در بازارهای مختلف را کاهش داد و افراد با اطمینان خاطر بیش‌تری سرمایه‌گذاری کرده یا به یکدیگر تسهیلات ارایه دهند.

طبق آخرین تعریف سازمان بورس و اوراق بهادار آمریکا رتبه‌بندی اعتباری یا اصطلاحا Credit Rating عبارت است از نظر موسسهء رتبه‌بندی در مورد کیفیت اعتباری ناشر یا یک تعهد مالی مشخص که می‌تواند در قالب یک عدد یا حرف بیان شود. آنچه امروزه در مباحث مالی تحت عنوان رتبه‌بندی اعتباری عنوان می‌شود، در چند حوزهء رتبه‌بندی اعتباری اشخاص حقیقی، رتبه‌بندی اعتباری اشخاص حقوقی، رتبه‌بندی اوراق بهادار و رتبه‌بندی اعتباری کشورها و دولت‌ها مطرح می‌شود. هر یک از حوزه‌های ذکر شده، دارای متدولوژی و تخصصی خاص بوده و بعضا شرکت‌ها در یک یا چند حوزه فعالیت می‌کنند.

به طور کلی موسسات رتبه‌بندی با موسسات سنجش اعتبار متفاوت بوده و کارکرد آن‌ها در دو حوزهء مختلف است، بنابراین می‌توان آن‌ها را این گونه تعریف کرد:

موسسات سنجش اعتبار (Credit Bureaus) این شرکت‌ها غالبا با استفاده از آنالیزهای آماری و گردآوری و تجمیع اطلاعات اعتباری مشتریان بانکی و موسسات اعتباری به ارزیابی وضعیت اعتباری آنان می‌پردازند. وظیفهء اصلی این شرکت‌ها جمع‌آوری و تجمیع اطلاعات اعتباری و ارایهء گزارش به اعطاکنندگان اعتبار در پی دریافت تقاضای آنان است. از قدیمی‌ترین نوع این شرکت‌ها می‌توان به شرکت‌های Equifax، TransUnion و Experian اشاره کرد که تماما ریشهء آمریکایی دارند.

موسسات رتبه‌بندی (Credit Rating Agencies) رتبه‌بندی اعتباری اشخاص حقوقی، اوراق بهادار و کشورها غالبا در شرکت‌های رتبه‌بندی همچون شرکت های Fitch، Moodys و S&P انجام می‌شود که این شرکت‌ها با متدولوژی‌های خاص و پیچیده به بررسی اعتبار شرکت‌ها، دولت‌ها و اوراق بهادار منتشره توسط آنان می‌پردازند.

با توجه به تعاریف فوق مشخص می‌شود که فرآیند رتبه‌بندی در حوزهء بازار سرمایه و فرآیند سنجش اعتبار در حوزهء پول و اعتبار تعریف می‌شود، بنابراین برای هر یک از این موارد ساختارها، ساز و کارها و سازوکارهای خاصی باید تعبیه شود.

۵/۳. نهادهای بازار ضمانت

۵/۳/۱.موسسات تضمین اعتبار

با توجه به رشد بالای نقش صنایع کوچک و متوسط در توسعه اقتصادهای جدید به خصوص لزوم حمایت از این بنگاه که بالتبع از پتانسیل مالی بالایی برای اخذ اعتبارات برخوردار نیستند ضروری به نظر می‌رسد. به همین دلیل در اقتصادها برای حل این مسئله نهادسازیهای رخ داده است. به عنوان مثال می‌توان به موسسات تضمین اعتبار اشاره نمود. این موسسات از سال ۱۹۳۷ در مناطق مختلف کشور ژاپن به عنوان یک اقتصاد مبتنی بر بانک فعالیت می‌کنند. این موسسات با ارائه تضمین بازپرداخت وامهای تجاری ارائه شده به بنگاههای با ندازه کوچک و متوسط، فرایند تامین اعتبار از موسسات مالی برای این نوع بنگاه‌ها را تسهیل می‌نمایند.

در حقیقت این نوع بنگاهها به دلیل عدم دسترسی به وثایق واجد شرایط موسسات مالی و نداشتن صورتهای مالی حسابرسی‌شده عموما از شایستگی اعتباری لازم جهت دریاف اعتبار از بانکها برخوردار نمی‌باشند. البته دراین موسسات برحسب مقدار سرمایه و تعدا کارکنان، بنگاه واجد شرایط را شناسایی و بر حسب نوع بنگاه (دولتی، خصوصی و یا تعاونی) و نوع تضمین مورد نیاز (تضمین عادی، تضمین بدون وثیقه‌سپاری، تضمین عرضه اوراق بهادار) سقفی نیز برای تضمین در نظرفگته می‌شود. از این رو این موسسات نه تنها در تسترسی این بنگاهها به تامین مالی از بازار پول کمک زیادی می‌کنند، بلکه دسترسی به بازار سرمایه بنگاههای با اندازه کوچک و متوسط را نیز تسهیل می‌نمایند. البته این موسسات در ارزیابی اعتباری بنگاههای با اندازه کوچک و

متوسط از پایگاههای ریسک اعتباری استفاده می‌کنند توسط نهادهای اعتبارسنجی ارائه می‌شود. (خوشنود،۱۳۹۰)

۶. نتیجه‌گیری

نامگذاری امسال و سالهای اخیر، مطابق فرمایشات مقام معظم رهبری، حاکی از اولویت و فوریت مسائل اقتصادی نسبت به سایر مسائل کشور است. برای تحقق تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نیز وظیفه کارشناسان نشان دادن چگونگی تحقق آن است. ابتدا باید معانی و مفاهیم پایه در هر کدام از این موارد مشخص گردد و سپس اصول و قواعد مناسب برای رسیدن به نتایج مورد انتظار که همان به ثمر رسیدن تولید ملی است محقق شود. مقام معظم رهبری تصویرهای کلان هر کدام از موضوعات را نیز نشان داده‌اند. به عنوان مثال:

> «سیاستگذاری تولیدمحور، فرهنگ‌سازی برای مصرف تولید داخلی، ارتقاء کیفیت تولیدات داخلی، نوسازی و ابتکار در ماشینها، در محصولات، در مدیریت، در ساخت؛ اینها کارهائی است که باید انجام بگیرد.» بیانات در اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی داروپخش،۱۳۹۰/۲/۱۰

در این مقاله نظام تولید ملی در کنار نظام مالی مورد تحلیل قرار گرفت. مطالعات فضای کسب و کار در کشور نشان می‌دهد که یکی از اساسی‌ترین معضلات کشور در توسعه تولید مسائل مالی بنگاهها می‌باشد که در بعد خرد با محدودیت نقدینگی فراوان جلوی رشد بنگاهها را به شدت گرفته است و در سطح کلان باعث افزایش هزینه‌های تولید با نرخ بالای منابع مالی شده است و از طرف دیگر باعث شده تا سیاستهای کلان اقتصادی نیز دچار بی‌ثباتی گردد.

نظام مالی دارای ارکان نهادها، بازارها، ابزارها و قوانین و مقررات می‌باشد که در این تحقیق با مبنا قرار دادن بازارهای مالی سعی شد که نهادهای مغفول در هر کدام از این بازارها که باعث شده است تا گردش نقدینگی به سهولت در کشور ایجاد نشود و از طرف دیگر باعث افزایش هزینه‌های تامین مالی گردد بر شمرده شد. به نظر می‌رسد عدم شفافیت یکی از مسائل اصلی نظام مالی در ایران باشد که این یکی از دلایل این امر فقدان نهادهای تولیدکننده اطلاعات مانند موسسات اعتبارسنجی و رتبه‌بندی می‌باشد. از طرف دیگر خدمات تخصصی مالی مانند نهادهای سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر و یا بانکهای توسعه‌ای و بانکهای امین بستر لازم برای بررسی و مدیریت ریسک را فراهم می‌کنند. بنابراین تحقق شعار امسال نیازمند ایجاد این نهادهای مهم در نظام مالی کشور خواهد بود.